

طبیعت مصنوعی

ارزیابی رویکرد طراحی در بوستان نهج البلاغه و جوانمردان



آیدا آل هاشمی، پژوهشگر
دکتری معماری، دانشگاه تهران
ayda_alhashemi@yahoo.
com



مولود شهسوارگر، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
moloudshahsavat@yahoo.
com



تصویر ۲

Pic 2

چکیده: روددره‌های تهران که در گذشته به عنوان یک اکوسیستم طبیعی اثر مطلوبی بر محیط زیست شهر داشته و مکان مناسبی برای رویدادهای اجتماعی مردم بوده‌اند، نقش مهمی در تقویت حس مکان و هویت بخشی به منظر شهر ایفا می‌کردند. این عناصر با تعریف جهت توسعه تهران در امتداد خود به مهم‌ترین اندام طبیعی در ساختار کالبدی شهر تبدیل شدند. تجاوز ساخت و سازها به حریم روددره‌ها و رشد کالبد مصنوعی شهر، منجر به برهم زدن تعادل میان محیط طبیعی و مصنوعی شهر و تضعیف نقش روددره‌ها در کیفیت منظر شهری تهران شد، اما هنوز با وجود بناهای انبوه و بلند نقش مهمی در شکل شهر، هویت و خوانایی آن ایفا می‌کنند. به همین جهت در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان شهری بوده و ساماندهی و احیاء آنها با هدف توجه به ظرفیت‌های طبیعی و تعدیل اثرات نامطلوب رشد کالبد مصنوعی، از برنامه‌های اصلی طرح جامع شهر تهران قرار گرفت. از سال ۱۳۸۶ روددره‌های شهر تهران به عنوان اندام‌های طبیعی شهر مورد توجه قرار گرفته و بر نقش تفریحی آنها در طرح جامع اخیر تأکید شده است. با وجود این روند برنامه‌ریزی و اجرای محدود پروژه‌های مرتبط با روددره‌های تهران حاکی از آن است که ظرفیت‌های مهم‌ترین عناصر طبیعی و هویتی شهر تهران در هر سه بعد پایداری شهری و در دو مقیاس برنامه‌ریزی و طراحی فضا مغفول مانده است. در نتیجه اقدامات صورت گرفته، اصلی‌ترین مؤلفه‌های طبیعی - ساختاری شهر تهران به بوستان‌هایی شهری تبدیل شده‌اند. این نوشتار تلاش می‌کند با دیدی انتقادی از خلال بررسی دو پروژه ساماندهی روددره کن (بوستان جوانمردان) و ساماندهی روددره فرحزاد (بوستان نهج البلاغه)، رویکردهای حاکم در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و طراحی فضایی این پروژه‌ها در شهر تهران را مورد توجه قرار دهد و میزان موفقیت آنها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار شهری در دو مقیاس مذکور را ارزیابی کند.

واژگان کلیدی: روددره، ظرفیت‌های طبیعی، بوستان نهج البلاغه، بوستان جوانمردان، تهران.

به محیطی نامن، آلوده و نازیبا برای ساکنان محلی بدل شده بود (تصویر ۱).

اهداف طرح

عملیات ساماندهی رود دره فرحزاد پس از بهسازی دره‌های مقصودبیک و ولنجک، در سال ۱۳۸۷ به منظور تحقق اهداف ذیل آغاز شد:

۱. توسعه پایدار و حفاظت از ارزش‌های محیط طبیعی
 ۲. گسترش فضاهای عمومی و امکانات تفریحی
 ۳. ارتقاء کیفیت حسی و بصری
 ۴. افزایش ایمنی و سلامت
- کنترل گسترش محیط مصنوع شهر به درون رود دره، حفظ باغ‌های موجود، ایجاد توازن میان حفاظت بهره‌برداري و توسعه فضاهای سبز و عمومی چندمنظوره، نظم بخشیدن به سازمان کالبدی بافت پیرامون دره، بهبود کیفیت محیط کالبدی و طبیعی دره فرحزاد و پونک، جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی، مقابله با حوادث طبیعی به عنوان اهداف خرد در پروژه ساماندهی دره فرحزاد تعیین شد (فرزادبهاشتا، آقا بابایی و محمدمامینی، ۱۳۸۹).

تحلیل پروژه در بخش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری

در طرح جامع شهر تهران و آرایه برنامه‌ها و طرح‌های موضوعی و موضعی، توجه به رود دره‌ها و ظرفیت‌های طبیعی شهر تحت عنوان برنامه ساماندهی پهنه‌های ارزشمند طبیعی و زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است. اما وجود ضعف مدیریتی و عدم وجود ارتباط پوسته از تبیین این سیاست‌ها تا مرحله طراحی سبب شده برنامه‌های مطرح شده در مقیاس کلان، اقدامات پایین دستی خود و مرحله طراحی را تحت تأثیر قرار ندهند و در مرحله طراحی، هدف اصلی از احیاء رود دره‌ها فراموش شود. به تبع آن در اهداف پروژه ایجاد فضاهای عمومی و تفریحی در مقیاس میانی و محلی مدنظر بوده است. از این جهت رود دره فرحزاد به صورت بوستان و پارک شهری، نه یک پارک رود دره‌ای به اجرا درآمده است. کیفیت‌های اکولوژیک این رود دره از ارزشمندترین و قوی‌ترین ویژگی‌های رود دره‌ها است، که تقویت و آشکار ساختن این کیفیت‌ها و تقلیل آلودگی محیطی ناشی از عوامل مصنوع از سیاست‌های کلی طراحی حریم این رود دره بوده است (همان). در عین حال کنترل گسترش محیط مصنوع شهر به درون رود دره و حفظ باغ‌های موجود از اهداف خرد پروژه بودند، اما آنچه امروز مشاهده می‌شود، توسعه ساخت‌وسازهای شهری و از بین رفتن هویت طبیعی و کالبدی حاشیه رود دره است. پوشاندن مسیر رود دره با سازه‌های بتنی برای احداث بزرگراه‌های شهری را می‌توان از دیگر عوامل برهم زننده هویت طبیعی رود دانست و پروژه اجرا شده تلاشی در برهم زدن، اصلاح و احیاء مسیر رود نداشته است. در واقع مرحله سیاست‌گذاری و تبیین اهداف به ظرفیت‌های تفریحی و ارزش اکولوژیک و حفظ هویت طبیعی رود دره تأکید دارد اما اقدامات انجام شده در مرحله طراحی، محیطی متفاوت از آنچه انتظار می‌رفت به وجود آورده‌اند. همچنین در مرحله سیاست‌گذاری ابعاد متنوع ظرفیت‌های رود دره در دستیابی به توسعه پایدار شهر تهران در حوزه‌های مورد کنکاش و توجه قرار نگرفته است.

از رود دره فرحزاد تا بوستان نهج البلاغه

به طور کلی اقدامات انجام شده از شیوه‌های اجرایی تا مصالح انتخاب شده اثری سلطه‌جویانه بر طبیعت رود دره داشته و نه تنها به تقویت و آشکار ساختن کیفیت اکولوژیک رود دره نپرداخته، بلکه سیمای طبیعی حریم رود را نیز از بین برده است. در پی این اتفاق ارتباط شهروندان با طبیعت بکر و دره‌ای

البلاغه) و احیاء رود دره کن (بوستان جوانمردان) از پروژه‌های پیشرو از این دست هستند که اخیراً به بهره‌برداری رسیدند.

چار چوب نقد

برنامه‌ریزی برای بازیابی نقش رود دره‌ها در زندگی شهری در گام نخست نیاز به شناخت ظرفیت این عناصر در دستیابی به پایداری شهری دارد. در حوزه زیست‌محیطی تهران، رود دره‌ها با توجه به امتداد شمالی- جنوبی آنها در انتقال جریان هوا به درون بافت شهر نقش دارند و به عنوان ریه‌های شهر عمل می‌کنند. از سوی دیگر با انتقال جریان طبیعی آب، کنترل و مدیریت آن به درون شهر به افزایش کیفیت فضایی منجر می‌شود. امکان مدیریت منابع آب، کنترل بحران‌ها و سیلاب‌های فصلی نیز از دستاوردهای مدیریت یکپارچه این مؤلفه‌ها خواهد بود. از منظر اجتماعی، رود دره‌ها به عنوان مؤلفه‌های هویت جغرافیایی شهر، نقش مهمی در توسعه کریدورهای دید خاطره‌ساز، افزایش خوانایی و تعلق خاطر شهروندان به شهر بازی کنند. این عرصه‌ها به عنوان نواحی تلاقی تاریخ و طبیعت در شهر با داشتن لایه‌های ذهنی و عینی از جمله حضور طبیعت، حوادث و رویدادهای اجتماعی و خاطرات انسانی، مکانی با معنی در شهر به وجود می‌آورد (رفعت، ۱۳۹۲) و به واسطه کشیدگی و امتداد طولانی (در صورت احیاء مسیرهای از میان رفته) به بسط عدالت اجتماعی در فضا سازی شهری کمک خواهند کرد. از زاویه حفظ انرژی، با توجه به امکان بهره‌گیری و حمل‌ونقل پاک و ارزان در حاشیه این مسیرها، رویش گیاهان بومی بدون هزینه نگهداری سنگین در کنار کاهش هزینه دستیابی شهروندان به مناطق تفریحی بکر با نفوذ طبیعت بکر دره‌های شمالی به مرکز شهر تهران به نوعی توسعه اقتصادی متعادل نواحی مختلف شهر را در پی دارد (Alehashemi, 2011).

در حوزه طراحی توجه به اصول زیباشناسی طبیعت مبتنی بر انطباق با جنبه‌های حسی، تجربی و ذهنی - خاطره‌ای (حبیبی، ۱۳۹۲) در دستیابی به حداکثر پایداری فضایی و پیوند با شهروندان، مهم‌ترین ظرفیت رود دره‌های تهران است. در ابتدا جریان آب، فرم و ریخت زمین به عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل دهنده به رود دره‌ها، و در گام بعد هویت، خاطره، مؤلفه‌های بومی و فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرند. هر یک از دره‌های شهر تهران به واسطه قرار گیری در محدوده‌های مختلف شهر و تجمع تاریخی گیاهان و کاربری‌ها مانند درختان توت، جگرکی و آلوچه‌فروشی‌های دره فرحزاد و امثال آنها هویت‌مند شده‌اند. در واقع موفقیت طرح در میزان ارتباطی است که بتواند با پشتوانه فرهنگی و جغرافیایی - طبیعی مکان برقرار می‌سازد.

الف- بوستان نهج البلاغه (پروژه احیاء رود دره فرحزاد)

رود دره فرحزاد در دامنه جنوبی البرز و شمال غرب تهران واقع شده است و در مسیر خود از روستاهای فرحزاد و پونک می‌گذرد. از ظرفیت‌های این رود دره می‌توان به ارزش تاریخی - فرهنگی راه قدیمی امامزاده داوود اشاره کرد. امروز دره فرحزاد مانند بسیاری دیگر از رود دره‌های تهران از تفرجگاه‌های تهرانی‌ها به شمار می‌رود و امتداد آن تا مرکز شهر، کریدور بصری و اکولوژیکی ویژه‌ای برای شهر به شمار می‌رود. مطالعه وضعیت دره فرحزاد قبل از ساماندهی آن نشان می‌دهد گسترش ساخت‌وسازها، از بین بردن پوشش گیاهی و آلودگی‌های ناشی از فاضلاب و زباله، شرایط نامناسب اکولوژیک منطقه را به وجود آورده بود. همچنین برخلاف توصیه‌های طرح‌های شهری، روند توسعه‌های شهری در محدوده مغایر با اهداف زیست‌محیطی، اجتماعی و فراغتی بوده است. در واقع رود دره فرحزاد نه تنها بسیاری از عملکردهای طبیعی، تفریحی و زیباشناختی خود را از دست داده، بلکه در بسیاری از نواحی

تصویر ۲: عدم توجه به عنصر آب و قطع ارتباط استفاده‌کنندگان با این عنصر، عدم توجه به فرم دره‌ای زمین و پوشش گیاهی بومی و عدم بهره‌گیری از این ظرفیت‌های طبیعی و هویتی در طراحی از ضعف‌های این پروژه است، بوستان نهج البلاغه، تهران. عکس: سمانه یاراحمدی، ۱۳۸۷.

مقدمه

رویکرد سلطه‌طلبانه انسان در توسعه شهر طی چندین دهه حاکمیت شهرسازی مدرن سبب شد تا شهرها به دور از جریان‌های طبیعی و سرزمینی بستر خود رشد و توسعه پیدا کنند. تضاد با بستر طبیعی در شهرهای مدرن که زمینه حذف و تباهی مؤلفه‌های طبیعی درون شهر را مهیا ساخت، از اوایل قرن بیستم مورد انتقاد واقع شد و متخصصان حوزه‌های مختلف شهر، محیط زیست، علوم اجتماعی و اقتصادی به آرایه راهکارهایی برای احیاء شهرها در انطباق حداکثری با جریان‌های طبیعی بستر به منظور دستیابی به توسعه پایدار شهری پرداختند.

شهر تهران نیز بر اثر بیش از نیم قرن برنامه‌ریزی و توسعه منطبق با سیاست‌های شهرسازی مدرن، در جهتی خلاف با بستر و جریان‌های طبیعی درون خود توسعه یافت و در این مسیر مؤلفه‌های طبیعی درون شهر تهران که طی قرن‌ها شکل‌دهنده ساختار فضایی شهر و ذهنیت شهروندان از تهران بودند، یکی پس از دیگری، از شهر و زندگی شهروندان حذف شدند. امروز این برخورد یک سویه و سلطه‌طلبانه، معضلات متعددی را برای شهر تهران رقم زده است. اخیراً و در اثر تلاش‌های جهانی و رواج تفکرات و ادبیات پایداری محیط و شهر پایدار، توجه به طبیعت درون شهر بیشتر به لحاظ کمی و سرانه‌ای تا کیفی و ساختاری مورد توجه قرار گرفته است.

رود دره‌های شهر تهران و تعریف پروژه‌های شهری

بدون شک در میان مؤلفه‌های طبیعی شهر تهران، رود دره‌های هفت‌گانه که از شمال تا جنوب شهر را طی می‌کنند، مهم‌ترین مؤلفه منظر شهری در شکل‌دادن به ساخت و بستر فضایی از یک سو و ذهنیت مردم شهر از سوی دیگر، به شمار می‌روند. رویکردهای سلطه‌جویانه توسعه یک‌سویه ساخت‌وسازهای شهری و ترافیکی تهران موجب شد تا این عناصر بنیادین شکل‌دهنده به ساختار فضایی و اجتماعی شهر به صورت غیرقابل جبرانی مورد تجاوز، تخریب، تغییر مسیر و انسداد قرار گیرند. نهایتاً این میراث‌های طبیعی و فرهنگی تبدیل به کانال‌هایی اکثراً سرپوشیده برای انتقال آب و فاضلاب و مهار سیلاب‌های شهری تهران شدند؛ اتفاقی که حاصل رویکرد ابزاری و فیزیکی طرح‌های جامع سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۶۹ تهران و همین‌طور رویکردهای حاکم بر مدیریت شهری در چند دهه بوده است. با آشکار شدن عوارض این رویکرد، متخصصین حوزه شهر با آرایه پیشنهادات متنوع در صدد توجه به ابعاد و نقش زیست‌محیطی این مؤلفه‌ها در ارتقاء کیفیت زیست شهر برآمدند. احداث پارک کوهسار در شمال تهران در سال ۸۱ از جمله این اقدامات است. با تصویب طرح جامع ۱۳۸۶ و تأکید آن بر توجه به ظرفیت‌های تفریحی و زیست‌محیطی رود دره‌های تهران، زمینه حضور ظرفیت‌های طبیعی درون شهر در برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و تعریف پروژه‌های مطالعاتی و اجرایی در جهت احیاء رود دره‌ها مهیا شد (کریمی مشاوری، ۱۳۹۲). دو پروژه احیاء رود دره فرحزاد (بوستان نهج

که یکی از دستاوردهای مهم توجه و احیاء ظرفیت‌های طبیعی درون شهر است، میسر نگشته و بوستان نهج‌البلاغه به دور از ویژگی‌های طبیعی دره فرحزاد، ملقمه‌های آزاردهنده از چراغ‌های بلند و کوتاه با رنگ‌های زرد، آبی و قرمز است که نقش درخت را بازی می‌کنند. همچنین نمایشگاهی از نیمکت‌ها، آلاچیق‌ها و نیز ایستگاه‌های اتوبوس با طرح‌هایی متنوع که به صورت اتفاقی در طول مسیر قرار گرفته‌اند، بر آشفتگی فضا افزوده است. در واقع طراح بر خلاف سیاست‌گذاری که احیاء هویت طبیعی روددره را مورد توجه قرار می‌دهد به دور از رویکردی طبیعت‌گرایانه و زمینه‌گرا به ساخت بوستانی شهری در بستر طبیعی رودخانه پرداخته است و همین رویکرد موجب شده تا ظرفیت‌های طبیعی و هویتی - فرهنگی روددره فرحزاد از یاد و حتی از میان برود. چنانچه عدم توجه به عنصر آب در طراحی و قطع ارتباط استفاده‌کنندگان با این عنصر و عدم توجه به فرم دره‌ای زمین و پوشش گیاهی بومی و عدم بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در طراحی از ضعف‌های این پروژه است (تصویر ۲). پوشش گیاهی طبیعی روددره قبل از تخریب به صورت بوته‌های گیاهی کوچک با فشردگی و پراکندگی متفاوت به بلوک‌های بتنی و در قسمت‌های بالاتر به پوشش یکنواخت چمن با کاشت نامنظم درخت تبدیل شده و خاطرهای متفاوت از خاطره‌ی روددره فرحزاد با درختان سرسبز توتش را به ذهن می‌آورد. فضای لبه آب فاقد تنوع فضایی لازم، فضایی یکنواخت است و حتی چیدمان مبلمان آن در تضاد با الگوی ذهنی مردم بدون تعریف حریم نشستن در امتداد مسیر قرار گرفته است و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در بخش‌های بالایی روددره تنوع فعالیتی بیشتر بوده و عملاً این قسمت‌ها در مقایسه لبه آب، در ثبت خاطره مردم از روددره شهر نقش بیشتری دارند.

ب- بوستان جوانمردان (پروژه احیاء روددره کن)
 روددره کن در شمال غرب تهران قرار گرفته، به واسطه ظرفیت بالای زیست‌محیطی باغات و مزارع اطراف و مسیر بلند و پربابی که دارد از مهم‌ترین و پراهمیت‌ترین روددره‌های درون شهر تهران به شمار می‌رود و می‌تواند در دستیابی ابعاد توسعه پایدار در شهر تهران نقش مؤثری ایفا کند. امروز بخشی از برنامه‌های مورد نظر برای این روددره تحت عنوان بوستان جوانمردان به اجرا در آمده است. در اقدامات آتی پیش‌بینی شده تا به مرکز تفریحی و ورزش‌های آبی اختصاص پیدا کند. در حالی که، انتقال جریان طبیعی آب روددره کن به دریاچه مصنوعی چیتگر، عملاً تحقق این اقدام پیش‌بینی شده را ناممکن می‌سازد.

اهداف طرح

طرح ساماندهی روددره کن در راستای تحقق سه هدف عمده در شهر تهران، تعریف شد (مهندسین مشاور آتک، ۱۳۸۲).
 ۱. مهار سیلاب و هدایت ایمن آن و جلوگیری از خسارات ناشی از سیل
 ۲. گسترش فضاهای سبز شهری در غالب یک پارک خطی و پیوسته در مقیاس شهر
 ۳. اختصاص کاربری‌های مناسب در جهت تقویت ظرفیت‌های مثبت موجود و حذف یا محدود نمودن عوامل مزاحم و مخرب محیطی

برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ارتباط با روددره کن
 در گفتگو با یکی از مسئولان پروژه بوستان جوانمردان، مشخص شد مدیریت و تیم طراحی ثابتی از ابتدای کار وجود نداشته است. با انصراف مهندسین مشاور انتخاب شده در مرحله‌های ابتدایی پروژه، باعث شد کار به گروه غیرمتخصص در زمینه طراحی منظر سپرده شود و در ادامه مرحله طراحی

و اجرا به صورت هم‌زمان انجام شده است. همچنین هم‌زمانی اجرای این پروژه با اجرای پروژه دریاچه مصنوعی چیتگر و انتقال جریان طبیعی آب روددره کن به این دریاچه، نه تنها سبب برهم زدن نظام طبیعی شهر و اقدامی در جهت خلاف توسعه پایدار شهر است، بلکه در تناقض با هدف اصلی احیاء روددره‌ها در تهران است، و سیاست پیوند فضای شهر با محیط طبیعی و تعادل میان این دو در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار است. اگرچه در اهداف و سیاست‌های احیاء روددره کن نکات مثبتی از قبیل توجه به ظرفیت تفرجگاهی روددره، گسترش فضاهای سبز شهری و ایجاد شبکه به هم پیوسته فضای سبز، در راستای هدف کلان احیاء روددره‌های تهران مشاهده می‌شود، اما عدم حضور مدیریت یکپارچه و تیم طراحی مشخص در روند پروژه از برنامه‌ریزی تا اجرا، سبب شده تا طرح اجرا شده قابلیت تقویت ظرفیت مثبت و عیان‌سازی ظرفیت بالقوه روددره را نداشته باشد و اهداف تعیین شده در ابتدای کار فراموش شود. همان‌طور که ذکر شد اختصاص کاربری‌های مناسب جهت تقویت ظرفیت‌های مثبت موجود از اهداف ساماندهی روددره کن بوده است اما کاربری‌های ایجاد شده ارتباطی با ظرفیت‌های طبیعی و ویژه روددره ندارد و صرفاً فعالیت‌های تفریحی هستند و عملاً تفاوتی با یک پارک و بوستان شهری خطی وجود ندارد. عدم برنامه‌ریزی نقاط عطف و شاخص در طول مسیر روددره، که سبب تنزل کیفیت خوانایی مسیر و عدم هویت‌مندی طرح شده نشان روشنی از عدم وجود مدیریت پیوسته و متخصص در ساماندهی منظر این روددره است.

در واقع در اینجا نیز مانند پروژه نهج‌البلاغه، روددره کن و طبیعت آن تنها به عنوان فضای تفرج مورد توجه بوده است و از طبیعت کن به عنوان انرژی، پالاینده، تولیدکننده، فضای منعطف، فضای پیونددهنده و فضای چند عملکردی در دستیابی به اهداف مختلف پایداری شهر تهران خبری نیست. البته مشکلات مدیریتی در حین انجام کار، پروژه را از دستیابی به اهداف محدود اولیه باز نگه داشته است.

از روددره کن تا بوستان جوانمردان

در پروژه بوستان جوانمردان اجرای هم‌زمان با مرحله طراحی، باعث شده این بوستان فاقد کیفیت اجرایی مناسب باشد و این امر در کنار وجود المان‌ها، مصالح متنوع انتخابی و وجود عناصر الحاقی به طور مثال پلکان‌های فلزی در طول مسیر که به صورت ناهماهنگ با مصالح و فرم دیگر عناصر قرار گرفته‌اند، به لحاظ بصری فضایی آشفتنه به وجود آورد. مهم‌ترین ضعف در ساماندهی روددره کن (بوستان جوانمردان) که یکی از علت‌های از بین رفتن هویت طبیعی روددره بوده (همانند پروژه نهج‌البلاغه) عدم توجه به آب (عنصر اصلی روددره) است. عدم تجربه آب در ترازهای ارتفاعی متفاوت و کیفیت‌های فضایی متفاوت و همچنین محروم ماندن مردم در درک و لمس آب از نزدیک، یکی از ظرفیت‌های مثبت روددره (حضور آب) را از بین برده است. این بی‌توجهی به آب سبب شده تا لبه آب از ابتدا تا انتها به صورت مسیری یکنواخت و فاقد تنوع فضایی و فعالیتی شکل بگیرد و به خلوت‌ترین

تصویر ۴

Pic 4

تصویر ۴: کاربری‌های ایجاد شده در جهت تقویت ظرفیت‌های طبیعی مثبت موجود نبوده در نتیجه با نادیده گرفتن اهداف ساماندهی روددره، عملاً بوستانی شهری، نه بوستانی روددره‌ای - تاریخی شکل گرفته است، بوستان جوانمردان، تهران. عکس: مولود شهبسوارگر، ۱۳۹۲.

Pic4: created functions are not to reinforce the positive natural potentials, and practically garden, urban garden river valley- history is shaped, park Javanmardan, Tehran. Photo: Moloud Shahsavargar, 2013.

تصویر ۳: عدم برنامه‌ریزی نقاط عطف و شاخص در طول مسیر روددره، سبب ایجاد فضایی یکنواخت، فاقد تنوع فضایی و فعالیتی شده است، بوستان جوانمردان، تهران. عکس: مولود شهبسوارگر، ۱۳۹۲.

Pic3: Lack of planning milestones and indicators along the river valleys, because a uniform space and has no spatial variation and activity, park Javanmardan, Tehran. Photo: Moloud Shahsavargar, 2013.

تصویر ۳

Pic 3

Artificial Nature

Evaluation Design Approach in Nahjolbalaghe and Javanmardan Park

Ayda Alehashemi, Ph.D. Candidate in Architecture, University of Tehran, Iran. ayda_alehashemi@yahoo.com
 Moloud Shahsavargar, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. moloudshahsavargar@yahoo.com

Abstract: Tehran's River Valley has had positive effects on the environment and it has played an important role in strengthening a sense of place and identity as a natural ecosystem of the city and as a place for social events.

Expanding Tehran development along the valley has led to creation of the most important natural organs in the physical structure of the city.

The invasion of construction and the built fabric of the city to the River Valley have resulted in disruption of the balance between the natural environment and the built urban landscape of the city and it has undermined the quality of role of River Valley in Tehran's urban landscape.

There are still large and tall buildings which define formation, identity and legibility of the city. For this reason, in recent years the authorities have been planning, organizing and restoring them to a full potential detrimental effect of the artificial body, the original plan was comprehensive plan of Tehran.

Since 2007 Tehran's River Valley was considered natural part of the city and its recreational function in the master plan have been underscored.

However, the planning and implementation of few projects on Tehran's River Valley suggests that the potential of natural and important component of identity in Tehran in three dimensions of sustainable urban management and urban planning and design in the space scale have been neglected in a serious way. The taken actions changed the major natural -structural elements of the city into urban gardens.

This paper attempts to critically review two projects within the organizing Kann River Valley (Park Javanmardan) and organizing Farahzad River Valley (Park Nahjolbalaghe). Approaches to the management, urban planning and design of these projects in Tehran will be criticized and their success in achieving the goals of sustainable urban development in these two measures will be studied as well.

Keywords: River Valley, sustainable urban development, natural potentials, Tehran, Nahjolbalaghe Garden, Javanmardan garden.

Reference list

- Alehashemi, A. (2011). *Defining the river valleys promotion as a strategy to achieve sustainable green networks and integrated landscapes in Tehran* in IFLA world congress: Switzerland, Zurich.

- Farzad Behtash, M., Aghababae, M. & Mohammad Amini, M. (2010). The study of status of FAR-AHZAD River Valley. DANESH SHAHR, 15. Studies and Planning center of city of Tehran.
- Habibi, A. (2013). Is Nature Beautiful? Contemplation in Philosophical Approach to the Aesthetics of Nature. *Journal of MANZAR*, 5(22): 40-43.
- Karrimi Moshaver, M. (2013). The Rivers of Tehran, River Valleys Potentials in the City Developments. *Journal of MANZAR*, 5(22): 52-55.
- Raafat, R. (2013). Latent Capacity, Ecology of Nature and History Confluence in City. *Journal of MANZAR*, 5(22): 44-48.



Pic1: before organizing, Farahzad River Valley many natural functions, recreational and aesthetic loss of data, and in many areas unsafe, contaminated and was unseemly. Photo: Ayda Alehashemi, 2009.

تصویر ۱: روددره فرحزاد قبل از ساماندهی بسیاری از عملکردهای طبیعی، تفریحی و زیباشناختی خود را از دست داده و در بسیاری از نواحی ناامن، آلوده و نازیبا شده بود. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۸۸.

قسمت پارک تبدیل شود. در اینجا نیز بستر طبیعی و دره‌ای رودخانه مورد توجه نبوده و پارک حاصل، فاقد نقش یک روددره شهری است. از سوی دیگر بستر فرهنگی و اجتماعی و بصری - تاریخی روددره کن نیز مانند فرحزاد به همان میزان مورد بی توجهی قرار گرفته است. در اینجا نیز مهم‌ترین رویکردی که باید در جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در طراحی مورد توجه قرار می‌گرفت یعنی زمینه‌گرایی و طبیعت‌گرایی، مورد توجه مشاور طرح نبوده است. بحث ایمن‌سازی دره و مسیر آب نیز با رویکردی ابزاری و مهندسی و نه طبیعت‌گرایانه و زمینه‌گرایانه مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر اینها اقداماتی همچون ساخت‌وساز در حریم رود و عدم انطباق طرح کاشت با پوشش گیاهی بومی، سبب از بین رفتن هویت طبیعی روددره شده و کناره‌های روددره برای ناظر داخلی و خارجی فاقد ارزش‌های زیبایی‌شناسی و بصری است. همچنین به دلیل عدم استفاده از پوشش گیاهی متناسب با اقلیم برای سایه‌گستری در طول روز، بوستان فاقد کیفیت لازم برای جذب و ماندن افراد در فضاست، از این رو منظر روز روددره در اکثر ساعات فاقد سرزندگی و حضور مردم است.

جمع بندی

روددره‌های شهر تهران به عنوان مهم‌ترین اندام‌های طبیعی شهر در شکل‌گیری ساختار فضایی و تاریخی - جغرافیایی آن، می‌توانند نقش مهمی در دستیابی به اهداف پایداری در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر تهران داشته باشند. نقش‌هایی که امروز با توسعه ادبیات پایداری در فضاهای شهری روز به روز گسترش پیدا می‌کند. در مقیاس خردتر نیز با طراحی ویژه و منطبق با بستر طبیعی - جغرافیایی و فرهنگی آنها می‌توان زمینه‌های حضور پایدار این مؤلفه‌های طبیعی در شهر و زندگی شهری را مهیا ساخت. دو پروژه احیاء روددره فرحزاد و کن، هم در مقیاس برنامه‌ریزی شهری و هم طراحی فضا با عدم توجه به نقش ساختاری روددره‌ها در دستیابی به ساختار پایدار زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر تهران تنها با رویکرد جزئی‌نگر، تعریف بوستان شهری و توجه به تفرج شهروندی را مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر مشاوران طراح نیز با عدم توجه به ظرفیت‌های طبیعی - جغرافیایی و تاریخی این میراث‌های فرهنگی شهر طراحی فضاهایی با کیفیت پایین بصری و زیباشناختی را در جهت افتتاح بوستانی شهری، نه بوستانی روددره‌ای - تاریخی که با شهر و شهروندان در حوزه‌های متنوعی ارتباط برقرار می‌کرده، در نظر گرفته‌اند. در طرح جامع و طرح ساختاری - راهبردی شهر تهران با نگاهی سطحی به احیاء روددره‌ها اشاره شده است و در خصوص بازیابی ظرفیت‌های طبیعی روددره‌ها، طرح به خصوص و مصوبی وجود ندارد. در حالی که بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های روددره‌های شهر تهران نه در برنامه‌ریزی و تعریف سریع پروژه‌های متنوع و بدون ارتباط با یکدیگر، بلکه در مطالعه یکپارچه در بخش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و تدوین منشور مدیریت و برنامه‌ریزی روددره‌های شهر در راستای دستیابی به پایداری شهری و تعیین دقیق دستورالعمل‌ها و ضوابط طراحی و میزان مداخله در این میراث‌های طبیعی و حیاتی شهر تهران است.

فهرست منابع

- حبیبی، امین. (۱۳۹۲). طبیعت زیباست؟، تأمل در فلسفه زیبایی طبیعت. *مجله منظر*، ۵ (۲۲) : ۴۰-۴۳.
- رفعت، رسول. (۱۳۹۲). ظرفیت پنهان، بوم‌شناسی تلاقی تاریخ و طبیعت در شهر. *مجله منظر*، ۵ (۲۲) : ۴۸-۴۴.
- فرزاد بهتاش، محمدرضا، آقابابائی، محمدتقی، محمدامینی، مروارید. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت روددره فرحزاد (قبل و بعد از ساماندهی). دانش شهر، ۱۵. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کریمی مشاور، مهرداد. (۱۳۹۲). رودهای تهران، توان روددره‌ها در توسعه شهر. *مجله منظر*، ۵ (۲۲) : ۵۵-۵۲.